

به مردم انساندوست و آزادیخواه و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان در مورد وضعیت اضطراری یک زندانی سیاسی در ایران

فوری احمد باطبی و کلیه زندانیان سیاسی شوید. لطفا نامه‌های خود را برای مقامات جمهوری اسلامی ارسال کنید و کپی آنرا در اختیار من نیز قرار دهید تا بتوانم از طریق رسانه‌های فارسی زبان به گوش مردم ایران برسانم.

با احترام
مرسده فائدی
۹ اوت ۲۰۰۶
mersehdghaedi@yahoo.com

جنایات جمهوری اسلامی کمک شایانی کرد. اکنون احمد باطبی نیاز به یک اقدام اضطراری دارد. باید جمهوری اسلامی را وسیعاً تحت فشار قرار داد که او را فوراً آزاد کند. بعنوان یک زن زندانی سیاسی سابق که هشت سال از ژوئن ۱۹۸۲ های تا مه ۱۹۹۰ در زندان جمهوری اسلامی زیر شکنجه‌های مداوم قرار داشته ام از همه شما انسانهای شریف و انساندوست، از همه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان تقاضا می‌کنم فوراً به مقامات جمهوری اسلامی ایران نامه بنویسید و خواهان آزادی

نامه زیر از سمیه بینات همسر احمد باطبی، یکی از زندانیان سیاسی در ایران است. نامه به حد کافی گویا است.

در سال ۱۹۹۹ ماموران سرکوب حکومت اسلامی به کوی دانشگاه تهران حمله کردند و احمد باطبی را دستگیر کردند. جرم او این بود که پیراهن یکی از دانشجویان را که در اثر حمله نیروهای مسلح رژیم زخمی شده بود روی دست بلند کرد و این عکس در سطح بین المللی انعکاس وسیعی یافت و به افشای

مصاحبه نشریه آزادی زن با سهیلا شریفی
قوانین اسلامی به خشونت‌های خانگی
مشروعیت می‌دهد

شامل می‌شود و در مواردی هم (هرچند کم) مردان قربانی این نوع خشونت می‌شوند. خشونت خانوادگی و یا به عبارت امروزی تر آن خشونت خانگی وقتی پیش می‌آید که یکی از اعضای خانواده برای به کسری نشان دادن حرف خودش و یا وادار کردن دیگران به تمکین و یا صرفاً برای ترساندن آنها و اثبات برتری خودش اقدام

آزادی زن: خشونت علیه زنان در ایران ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. آمار و بررسی‌های زیادی از انواع خشونت صحبت می‌کند. صحبت از خشونت در خانواده و جامعه است. می‌خواستم در رابطه با خشونت در خانواده با شما صحبت کنم. به نظر شما چه نوع خشونتی در خانواده اعمال



به آزار جسمی و یا روحی دیگر اعضای خانواده می‌کند. خشونت می‌تواند به شکل کتک کاری و آزار جسمی و جنسی روی دهد و یا به اشکال دیگر

می‌شود و چه مکانیزم‌هایی این وضعیت را امکان پذیر می‌کند؟
سهیلا شریفی: خشونت در خانواده در اشکال و ابعاد متنوعی خود را نشان می‌دهد و هرچند که سناریوی زن کتک خورده در مورد خشونت‌های خانوادگی

ادامه در صفحه ۲

نامه سمیه بینات همسر احمد باطبی، یکی از زندانیان سیاسی در ایران به شورای حقوق بشر سازمان بین الملل

تلاشهای من و وکیل وی تاکنون برای مشخص شدن وضعیتش و ملاقات و یا تماس تلفنی با او بی‌نتیجه مانده است. با توجه به وضعیت جسمانی احمد باطبی به شدت نگران وی هستم.

لازم به ذکر است، در هفته گذشته اکبر محمدی که او نیز در حادثه حمله به کوی دانشگاه تهران در سال 78 بازداشت شد و وضعیت مشابه همسر مرا داشت، بعد از 9 روز اعتصاب غذا در زندان اوین درگذشت. از این رو با عنایت به شرایط وخیم جسمانی احمد باطبی و بیماری‌های متعدد او به شدت نگران وضعیت او هستم و بیم آن می‌رود که او نیز به سرنوشت اکبر محمدی دچار شود و در اثر اعتصاب غذا جان بسپرد.

نتیجه رسیدند که ادامه حبس احمد باطبی، عوارض وخیمی برای وی تا حد فلجی و مرگ به دنبال خواهد داشت. بنابراین احمد باطبی به مرخصی استعلاجی فرستاده شد تا به مداوی خود بپردازد. متأسفانه در تاریخ



7/5/85 عده ای ناشناس و مسلح پس از بازرسی کامل منزلمان، احمد باطبی را بازداشت کردند و به مکان نامعلومی منتقل کردند. همسرم اعلام کرد که از همان لحظه بازداشت اعتصاب غذا خواهد کرد.

ریاست محترم شورای حقوق بشر سازمان ملل این نامه از سوی سمیه بینات همسر آقای احمد باطبی زندانی سیاسی در ایران برای شما نوشته شده است. همانگونه که احتمالاً مستحضرد، احمد باطبی دانشجویی که در سال 78 در ماجرای حمله به کوی دانشگاه تهران بازداشت شد و حکم اعدام اولیه از سوی قوه قضاییه ایران برای وی صادر شد و در نهایت در دادگاه تجدید نظر به 15 سال حبس قطعی محکوم شد. پس از گذراندن 6 سال از دوره محکومیت به علت آزار و شکنجه در زندان، مشکلات جسمانی فراوان و بیماری‌های کلیوی، نخاعی و گوارشی برای وی به وجود آمد و پزشکان معالج احمد باطبی با آزمایشهای فراوان به این

سازمان آزادی زن برگزار می‌کند بدینوسیله به اطلاع همه علاقمندان می‌رسانیم که سازمان آزادی زن کنفرانس سالانه خود را در روزهای جمعه 1 و شنبه 2 سپتامبر در گوتنبرگ سوئد برگزار می‌کند. شرکت در این کنفرانس برای همگان آزاد است.
دوستانی که برای شرکت در کنفرانس به محل خواب احتیاج

دارند حتماً باید تا تاریخ 15 اوت به ما اطلاع دهند.

برای اطلاعات بیشتر می‌توانید با پروین کابلی مدیر اجرایی

سازمان آزادی زن با شماره تلفن 0046707744020

(0046-707744020) یا آدرس ایمیل

parvinkaboli@yahoo.se تماس بگیرید

سازمان آزادی زن 27 ژوئیه 2006

ادامه در صفحه ۳

قوانین اسلامی به ...

مانند زخم زبان زدن و تهدید کردن و سرکوفت زدن باشد. گاهی وقتها هم نپرداختن پول و هزینه زندگی به زن و کودکان و محروم کردن آنها از منابع اقتصادی خانواده منشاء خشونت می‌باشد.

در هر حالتی خشونت خانگی یکی از پیچیده‌ترین و دردناک‌ترین خشونت‌هاست.

پیچیده است بخاطر اینکه سنتا خانواده کانون مهر و محبت و امنیت انسان و عرصه‌ای به شدت خصوصی شناخته شده است و دخالت دولت و نهادهای اجتماعی در آن زیاد آسان نیست و بیشتر بر مبنای سنتها و مناسبات درون خانواده می‌چرخد تا قوانین رسمی دولتی. دردناک است بخاطر اینکه فرد قربانی توسط کسی شکنجه می‌شود که قرار است دوستش داشته باشد و از او حمایت و پشتیبانی کند. وقتی زنی یا کودکی توسط غربی‌ای مورد کتک کاری و تجاوز قرار می‌گیرد، معمولا با همدردی بیشتری از طرف اجتماع و اطرافیان روبرو می‌شود، اما وقتی از شوهرش و یا پدرش کتک می‌خورد و یا مورد تجاوز قرار می‌گیرد هم اطرافیان و هم نهادهای دولتی با اغماض و چشم پوشی با آن برخورد می‌کنند. در خیلی از موارد پلیس به بهانه دخالت نکردن در دعوای خانوادگی، چشم بر این خشونت‌ها می‌پوشد و اجازه می‌دهد قربانیان همچنان زجر بکشند.

در مورد اینکه چرا خشونت خانگی وجود دارد و چرا عده‌ای (معمولا مردان) دست به اینکار می‌زنند، تئوریه‌ها و نظریه‌های متعددی وجود دارند که شاید جای پرداختن به آنها در این مصاحبه نباشد. اما در جواب به قسمت دوم سوال شما باید بگویم فاکتورهای زیادی در جامعه عمل می‌کنند که خشونت خانگی و بقای

از صفحه ۱

آنها امکان پذیر می‌کنند. از جمله و به عنوان مهمترین آنها می‌توان به نابرابری اقتصادی و اجتماعی بین زن و مرد و نقش مذاهب و فرهنگها و سنتها اشاره کرد. سنتا مرد نان آور خانواده و مالک زن و فرزندانشان است. طبق این تعریف او خود را مجاز می‌داند بر خانواده‌اش حاکمیت کند و محیط خانواده‌اش را آنطور که خود دوست دارد اداره کند و از آنجا که کل جامعه بر اساس مناسبات خشن و نابرابری می‌چرخد و در خارج از خانواده هم هر کس زور و مال و قدرتش بیشتر است به دیگران زور می‌گوید و اعمال خشونت می‌کند، این مناسبات به داخل خانه هم کشیده شده افراد قدرتمند تر (چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ مالی) به ضعیف‌ترها زور می‌گویند و عقده‌هایشان را بر سر آنها خالی می‌کنند. قانون و دولت و مناسبات اجتماعی هم کم و بیش این خشونت را مجاز می‌داند و آنرا تحمل می‌کند.

در جوامعی مانند ایران که قوانین بر اساس مذهب پایه گذاری شده است، مرد رسما و قانونا مجاز است همسر و کودکان خود را کتک بزند. زن قرار است از مرد فرمانبرداری کند و به خواسته‌ها و تمایلات او تمکین کند، خانه داری و بچه داری به عنوان وظایف اصلی او محسوب می‌شوند و مرد حق دارد در صورتیکه احساس کند زن این وظایف اولیه خود را بخوبی انجام نمی‌دهد، او را از کار کردن منع کند و حتی او را بزند و تنبیه کند. قوانین اسلامی و سیستم قضائی ایران بجز در موارد بسیار حد که منجر به آسیبهای جدی جسمی برای زن و کودک می‌شود، نه تنها دخالتی در جلوگیری از این خشونت‌ها نمی‌کند بلکه جانی هم که زنان به دادگاهها شکایت

می‌برند، قضات مرتجع فرمانبرداری و تمکین به شوهران را به عنوان راه حل برای کتک خوردن به زنان پیشنهاد می‌کنند و آنها را تشویق به برگشتن بر سر خانه و زندگی خود و تحمل خشونت از جانب همسرانشان می‌کنند. **آزادی زن:** شما اول صحبت از این می‌کنید که خانواده سنتا کانون مهر، محبت و امنیت انسان و عرصه‌ای به شدت



خصوصی شناخته شده است. اگر اینطور است پس چرا بیشترین خشونت در خانواده اتفاق می‌افتد؟

سهیلا شریفی: گفتم سنتا اینطور تعریف شده است. اما به همان نسبت که خانواده عرصه‌ای خصوصی تلقی می‌شود و امکان دخالت قانون و اجتماع در آن محدودتر می‌شود، به همان نسبت هم زمینه برای اعمال خشونت در آن بیشتر می‌شود. اگر زنی در خیابان مورد حمله یگ غریبه قرار گیرد و کتک بخورد، فوراً به پلیس زنگ می‌زند و از آنها می‌خواهد که مهاجم را مجازات کنند. اما اگر همان زن در خانه توسط شوهرش کتک بخورد، قبل از اینکه به پلیس زنگ بزند باید هزار تا فاکتور را در مغزش بررسی کند. بر سر بچه‌ها چه می‌آید؟ مردم چه فکر می‌کنند؟ آبروی خانواده چه می‌شود؟ فردا اگر کار به جدائی کشید چطور می‌تواند خرج خودش و بچه‌هایش را در بیاورد؟ اصلا آیا بچه‌هایش را بهش خواهند داد؟ شکایتش را پیش کی

ببرد؟ کی به حرفش گوش می‌دهد؟ برود دادگاه چه بگوید؟ در نتیجه اکثریت بالائی از خشونت‌های خانوادگی اصلا به هیچ جا گزارش داده نمی‌شود. در مواردی هم که زنی به خود جرات می‌دهد و آنرا گزارش می‌کند، پلیس و نهادهای قضائی با ناباوری و بی‌اعتنائی و در بهترین حالت با احتیاط به این نوع جرائم برخورد

می‌کنند و آنقدر پروسه اداری و قانونی آنها پیچیده می‌کنند که نصف بیشتر شکایان از شکایت خود پشیمان شده و پرونده را رها می‌کنند. فرهنگ سرمایه دارانه و مردسالار حاکم بر جامعه، مرد را رئیس خانواده و مسئول اداره و ضبط و ربط امورات این کانون می‌داند و به او این حق و اختیار را می‌دهد که

خانواده‌اش را آنطور که خود می‌خواهد اداره کند و در نتیجه دخالت در کار او را به حداقل ممکن می‌رساند. بعضیها می‌گویند که مرد مسئولیت سنگینی بر عهده دارد، کار می‌کند و خسته می‌شود و اعصابش خراب

می‌شود و اگر زن هم در خانه او را درک نکند و با او از سر ناسازگاری بر بیاید، ممکن است عصبانی شود و دعوا کند و کتک بزند. حتما شما هم شنیده اید که به زنان کتک خورده گفته می‌شود " تقصیر خودت است، سرش غر می‌زنی و او از کوره در می‌رود." "تو کوتاه بیا، او کار کرده، خسته است." انگار برای

خیلیها این يك امر جا افتاده است که مرد کار می‌کند، خسته می‌شود و حق دارد عصبانی شود، پس باید ملاحظه‌اش کرد و به حرفش گوش کرد و در مقابل خواسته‌هایش کوتاه آمد. کوتاه است توجه کنیم که همان مرد عصبانی و خسته که هر لحظه ممکن است منفجر شود، هیچوقت در بدترین حالت هم به خودش اجازه نمی‌دهد دست روی رئیس و صاحب کارش بلند کند، هرچند که او ممکن است بیشتر از همه عصبانیش کند. بخاطر اینکه می‌داند اینکار عواقب دارد. اما می‌داند که زدن زن و بچه‌هایش برایش خطر چندانی در بر نخواهد داشت.

کانون خانواده به شرطی می‌تواند محیطی امن و پر مهر و محبت برای زن و کودکان باشد که موقعیت مرد به عنوان رئیس خانواده لغو شده و زن و مرد به عنوان آحاد برابر با هم زندگی کنند و قوانین جامعه خشونت‌های خانگی را تحمل نکرده و به آنها به عنوان جرائم سنگین برخورد کرده و آنها را مجازات کند. به درجه‌ای که خشونت افراد بر علیه یکدیگر و مخصوصا خشونت در خانواده از طرف دولت و قوانین



رسمی ممنوع شود و فرهنگ انسانی‌تری بر جامعه حاکم باشد، خشونت‌های خانوادگی هم کمتر می‌شود.

آزادی زن: خشونت بر علیه زنان پدیده‌ای جهانی است. شما چرا این مسئله را به قوانین اسلامی و جمهوری اسلامی ربط مستقیم می‌دهید؟

ادامه در صفحه ۳

به سازمان آزادی زن پیوندید

قوانین اسلامی به ...

سهیلا شریفی: حرف

شما درست است اما در کمتر جایی از جهان به شکلی که در ایران هست به این خشونت توسط دولت و قوانین رسمی مملکت مشروعیت داده می شود و بازتولید می شود. قوانین اسلامی رسماً زن را فرودست و تحت تابعیت مرد تعریف می کند و از او می خواهد از مرد فرمانبرداری کند. رسماً در کتاب مقدسشان سیاه بر روی سفید خدایشان امر بر کتک زدن زنان به منظور تنبیه آنان می کند. چنین مذهبی و قوانین آن اگر بر کشوری حاکم باشند کاملاً مشخص است که خشونت را رواج می دهند. در برخی کشورهای غربی بخاطر سالها مبارزات برابری طلبانه قوانینی وضع شده اند که خشونت علیه زنان را ممنوع می کند و دولت را موظف می کند که در مقابل این خشونتها بایستند. با وجود این خشونت علیه زنان و کودکان در خانواده چنان جان سخت و ریشه دار است که گفته می شود در آمریکا در هر چند ثانیه یک بار زنی از دست

از صفحه ۲

این مسئله را شما چگونه می بینید؟

سهیلا شریفی: تا همین حدش هم که به آن اقرار می کنند بخاطر فشار روز افزون جنبش برابری طلبانه مردم در ایران است. بطور کلی پرداختن به مسئله خشونت های خانگی در ایران پدیده ای تازه است. تا همین سالهای آخر وجود خشونت های خانوادگی به عنوان یک پدیده اجتماعی یا بلکی انکار می شد و یا مورد بی لطفی و اغماض جامعه شناسان و محققین قرار می گرفت. تصور عمومی این بود که دعوا بین زن و شوهر اتفاق عجیبی نیست که بشود روی آن تحقیق کرد و مقاله نوشت و قانون وضع کرد. کودکان هم که احتیاج به دسیپلین و تربیت دارند و پدر و مادر حق دارند برای بار آوردن آنها از کتک هم استفاده

روسی دانشگاهها و جامعه شناسان حاضر نیستند آنرا به عنوان یکی از پدیده های دردناک و بسیار وسیع اجتماعی مطرح کنند و برای آن راه حل ارائه دهند. بر اساس قوانین اسلامی زن هنگام ازدواج وارد معامله ای با مرد می شود که طبق آن باید از او برمانداری کند، خانه و بچه هایش را تر و خشک کند و به نیازهای جنسی او پاسخ دهد. اگر اینکارها را نکند قرارداد را زیر پا گذاشته است و مستحق تنبیه است (در درجه اول از طرف شوهرش). در این سیستم نه تنها تجاوز شوهر به زنش معنی ندارد، بلکه کاملاً هم نرم است و کمتر کسی از آن به عنوان خشونت و جرم اسم می برد و طبیعتاً نمی توان انتظار داشت رسانه های رسمی دولت و اولیای دانشگاهها آنرا به عنوان یکی از معضلات اجتماعی مورد بررسی و



کنکاش قرار دهند.

کنند (هنوز هم خلیها اینجوری فکر می کنند). در نتیجه نه تنها خیری از این اتفاقات جانی پخش نمی شد، نه تنها کسی در مورد آنها تحقیق نمی کرد و کسی در مورد آنها کتاب و مقاله نمی نوشت، بلکه خود قربانیان این خشونت هم آنها را گزارش نمی کردند و در بهترین حالت شکایتشان را پیش ریش سفیدان فامیل می بردند. تازه چند دهه است که در غرب هم این مسئله به عنوان یکی از معضلات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و به یمن مبارزات فراوان برخی قوانین در حمایت از زنان و کودکان قربانی وضع شده است. در ایران این پروسه هنوز طی نشده و با وجود تلاش فراوان فعالین جنبش برابری طلبانه هنوز جمهوری اسلامی و




نامه سمیه بینات ...

ز صفحه ۱

حقوق اولیه که حق هر انسانی است برخوردار شود و در بیرون از زندان به درمان بیماری هایش که محصول دوران زندان است بپردازد.

با احترام
سمیه بینات
همسر احمد باطبی،
دانشجوی زندانی از سال
78 تا کنون
15/5/85


۸۵ / ۵ / ۱۵
06 / 08 / 2006

رونوشت به :
تمامی سازمانهای حامی
حقوق بشر
خبرنگاران بدون مرز
سازمان جهانی دیدبان
حقوق بشر
سازمان جهانی عفو بین
الملل
گروههای فعال ایرانی
حقوق بشر در اروپا و
آمریکای شمالی

این نامه را در حالی برای شورای حقوق بشر سازمان ملل می نویسم و از این شورا درخواست کمک می کنم که پس از 9 روز پیگیری، مراجعه به زندان اوین و دادگاه انقلاب و نگاشتن نامه به مراجع قضایی ایران، هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده ام و از سرنوشت او خبری ندارم. به گونه ای که در زنده بودن وی دچار تردید شده ام. از شورای حقوق بشر سازمان ملل که تشکیل آن امید تازه ای برای پیگیری موثرتر روند حقوق بشر در کشورهای نقض کننده این حقوق به ما داده است، درخواست می کنم که پرونده حقوق بشر ایران، در مورد احمد باطبی را در دستور کار خود قرار دهد، و برای آگاهی از وضعیت او هیئتی را به ایران اعزام کند و خواستار آن شود تا مطابق با موازین حقوق بشر با وی برخورد شود و احمد باطبی بتواند از

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و

توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید

و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را

برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع

خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای

آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ

بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید

گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به

سازمان آزادی زن تشویق کنید.

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com

شرکت فعالین سازمان آزادی زن در فستیوال Pride در استکهلم - سوئد



azadizan@yahoo.com

www.azadizan.com

Tel: +44-7789801250 Fax: +44-8701358385

طرح تهاجم به زنان را در هم بشکنیم!

مقامات انتظامی رژیم اسلامی خبر از موج جدید سرکوب علیه زنان به بهانه "بدحجابی" را می‌دهند. کریمی در جمع خبرنگاران اعلام کرده که "مراحل اول و دوم طرح مبارزه با بدحجابی به پایان رسیده است... و در آینده نزدیک اقدامات برخوردی با بدحجابی به انجام خواهد رسید. جرمه، شلاق و زندان از جمله این اقدامات هستند". اینگونه خط و نشان کشیدنها برای ما تازگی ندارد! يك ركن هميشگی سياست رژيم اسلامی است. نشان شکست این رژیم در برخورد با جنبش آزادی زن و مقاومت زنان در جامعه است. نشان از عمق مقاومت و ایستادگی زنان در دفاع از حقوق جهانشمول زنان و حقوق مدنی در جامعه است. این خط و نشان کشیدنها نشان از هراس رژیم از جنبشی است که با مقاومت هرروزه‌اش، چه در بالا بردن حجاب، چه در آرایش چهره، چه در نوع پوشش، چه در دفاع از حقوق جهانشمول، و چه در سایر اعتراضات خود رژیم اسلامی را مستاصل کرده است. حمله و سرکوب زنان همواره يك ركن ارتجاعی سياست رژيم اسلامی بوده است. این رژیم با شعار "یا روسری یا توسری" حملات اوپاش خود علیه جامعه و آزادیخواهی را شروع کرد و بعد از آن نیز همواره یورش خود به جامعه را از کانال تهاجم به زنان سازمان داده است. اما اگر سرکوب وحشیانه زنان يك ركن هميشگی سياست رژيم آدمکش

اسلامی بوده است در مقابل مقاومت و مبارزه زنان و مردان آزادیخواه برای برابری و آزادی زن نیز يك ركن پایه‌ای جنبشی است که برای سرنگونی رژیم اسلامی بمثابه شرط رهایی و آزادی زن مبارزه می‌کند. واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم توحش خود هرگز قادر نشد در جهاد ضد انسانی و زن ستیزانه خود موفق شود. هرگز قادر نشد زنان را به تسلیم بکشاند. هرگز قادر نشد قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه خود را به زنان تحمیل و یا به نرم جامعه تبدیل کند. علیرغم بگير و بندها، علیرغم سنگسارها و اعدامها قادر نشد در به زانو درآوردن زنان موفق شود. جنبش آزادی زن يك جنبش پر قدرت در جامعه است. زنان و مردان آزادیخواه! این بار نیز باید این تهاجم رژیم زن ستیز و اوپاش اسلامی را در هم شکست. این بار هم باید آنها را وادار به عقب نشینی کرد. شیشه عمر رژیم در دست ماست. نباید اجازه داد هیچ زنی را دستگیر و سرکوب کنند. هر تلاش این اوپاش باید با اعتراض گسترده شما مواجه شود. متشکل شوید. جمع‌های آزادی زن را تشکیل دهید. باید بطور سازمان یافته در مقابل این یورش جدید ایستاد. باید پیشروی کرد. ذره ای زن ستیزی را نباید تحمل کرد. باید آپارتاید جنسی را در هم شکست. باید حجاب اسلامی را به دور انداخت.

زنده باد آزادی زن

۲۰ مرداد ۸۵

سازمان آزادی زن



خود می‌داند و امید وار است که بدین وسیله بتواند برای بهبود وضعیت اقلیت‌های جنسی در ایران تلاش کند. در رابطه با موضوع بحث که تبعیض جنسی و وضعیت جنسی افراد چگونه تأثیر خود را روی تقاضاهای پناهندگی بخصوص زنان و افراد اقلیت‌های جنسی می‌گذارد اینطور ادامه داد.

اینکه از یک پناهنده چگونه استقبال شود یک مسئله سیاسی است و

تهدید و نفرت از اقلیت‌های جنسی توسط افراد و گروهها، تقاضای پناهندگی و بسیاری مسائل سیاسی و اجتماعی دیگر بود. امسال این فستیوال در هوای بسیار خوبی برگزار شد که این موضوع تعداد شرکت کنندگان در این برنامه‌ها و کارناوال روز آخر را چندین برابر کرده بود.

امسال همچنین مهین علیپور، عضو سازمان آزادی زن، توسط

هرساله هفته اول اوت در شهر استکهلم پایتخت سوئد همایشی بسیار بزرگ و باشکوه برای دفاع از حقوق اقلیت‌های جنسی، HBT (Homosexuals, Bisexuals and Transgenders) صورت می‌گیرد.

امسال این همایش از روز 31 ژوئیه شروع و تا 7 اوت ادامه داشت. در این روزها برنامه‌های سیاسی و اجتماعی گوناگونی مثل نمایش فیم؛ سخنرانی، بحث، نمایشگاه‌های عکس و میز کتاب و برنامه‌های هنری بسیاری برگزار می‌شود.

مدرسه ماریا واقع در یک منطقه جنوبی استکهلم شاهد بحث‌ها، سخنرانیها، مناظره رهبران احزاب و نمایشگاههای متعددی بود. این فعالیت‌ها بخصوص توسط دو تشکل بزرگ (RFSL) سازمان سراسری دفاع از حقوق برابر انسانها بدون توجه به وضعیت جنسیشان) و FI (حزب سیاسی جنبش زنان) برای حمایت از حقوق اقلیت‌های جنسی ترتیب داده شده بود. تعداد بسیار قابل ملاحظه‌ای در این چند روز مشتاقانه و فعالانه در این برنامه‌ها شرکت کردند.

موضوع این مباحث معمولاً موضوعاتی روزمره مثل قانونی شدن ازدواج اقلیت‌های جنسی و انتخاب نحوه مراسم ازدواج بطور معمول، حق فرزند خواندگی، تغییر قانون خانواده در سوئد و مطابقت آن با شکل‌های جدید همزیستی، اذیت و آزار و تبعیض در محیط کار بخاطر داشتن این شرایط،



تا زمانی که بطور مثال دولت سوئد، ایران را نا امن و دولت آن را زن ستیز، عامل اعدام انسانها، اختناق و نبود آزادی بیان و همینطور عامل فرار و سرگردان شدن مردم نداند، رفتارش با پناهنجویان انسانی و حتی در حد کنوانسیون سازمان ملل در رابطه با امر پناهندگی نخواهد بود. و در همین سیستم که به اختلاف طبقاتی معتقد می‌باشد به تقاضای پناهندگی زنان، کودکان، و اقلیت‌های جنسی که از موقعیت

مسئولین سمینارها و سخنرانیها برای شرکت در یک میزگرد پیرامون مسائل پناهندگی زنان و اقلیت‌های جنسی در روز جمعه 4 اوت به مدرسه ماریا دعوت شد.

مهین علیپور در شروع جلسه ابتدا به سوالی که چرا به صف فعالین دفاع از حقوق اقلیت‌های جنسی پیوسته اید پاسخ داد و توضیح داد که از نظر وی و جنبشی که وی با آن کار می‌کند مبارزه در این عرصه جزئی از مبارزات دفاع از حقوق اولیه و بحق انسانهاست. او کار در این عرصه را ادامه فعالیتی بسیار مثبت و ضروری جنبش

شرکت فعالین سازمان آزادی ... از صفحه ۴

اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی پایین تری برخوردارند، کمتر بها داده می شود. بخصوص به تقاضای پناهندگی افراد گریخته از ایران رسیدگی جدی نمی شود، چرا که ایران را محل نا امنی نمی دانند. وی خودکشی کیان (دگرجنس گونه Transgender از ایران) که در سال 2004 بخاطر ترس از فرستاده شدنش به ایران صورت گرفت را به یک نمونه آشکار بی تفاوتی و کم بها دادن به مشکلات این افراد دانست و ادارات دولتی سوئد در امر پناهندگی را عامل مرگ وی دانست. مهین علیپور پیشنهاد دادن پناهندگی سیاسی به زنان و اقلیت های جنسی که بخاطر خطرات احتمالی برای

کشورهای اروپائی و بطور کلی جنبش های دفاع از حقوق اقلیت های جنسی را پیوستن به یک صف جنبش جهانی دفاع از حقوق انسانها و نماندن این جنبشها در سطح محلی دانست. وی پیوستن این جنبشها به جنبشها و کمپین های جهانی دفاع از حقوق انسانها، مثل کمپین جهانی ضد سنگسار و ضد اعدام، دفاع از حقوق زنان و کودکان، اعتراض مستمر و بموقع به وضعیت بد اقلیت های جنسی و شکنجه و اعدام آنها در کشورهایی مثل ایران را، راه حل موثر برای کاری شدن، دیده شدن و مردمی شدن این جنبشها دانست. در این میزگرد ورونیکا سورد از حزب جنبش زنان (fi)، داوید لانگلداز

استقبال بی نظیری روبرو شد.

روز اختتام فستیوال، کارناوال و راه پیمائی بزرگی از طرف گروه های مختلف اقلیت های جنسی و مدافعین آنها صورت گرفت. این کارناوال علاوه بر اینکه بسیار شاد و تفریحی می باشد بطور بسیار واضحی گویای خواسته ها و مطالبات مختلف این افراد می باشد. امسال شعارهای ضد جنگ و ضد راسیسم در مسیر راه پیمائی به چشم می خورد. در این کارناوال که به مدت تقریباً 4 ساعت در شهر استکهلم ادامه داشت امسال حدود 30000 نفر شرکت داشتند و تعداد مردمی که به تماشا و تشویق فستیوال پرداختند طبق تخمین پلیس حدود 20000 نفر بود. تعدادی از وزرای دولت سوئد مثل



وزیر هم پیوستگی، وزیر محیط زیست و رهبران احزاب مختلف سوئدی در راه پیمائی شرکت کردند. در سراسر راه پیمائی مهین علیپور و آنا گوهری از اعضای سازمان آزادی زن در استکهلم، باندولی با متن "از حقوق اقلیت های جنسی در ایران دفاع کنید" را با خود حمل می کردند. این خواسته در تمامی مسیرها دست و سوت زندهای بسیار مورد تشویق و حمایت مردم قرار گرفت.

سازمان آزادی زن- سوئد اوت 2006

سازمان عقوبین المللی، کارلوس دیاس از سازمان دفاع از حقوق برابر انسانها بدون توجه به جنسیت، و آنلی گوستاوسون از (fi)، بعنوان گرداننده میزگرد، شرکت داشتند. یکی دیگر از میزگردهای مهم، میز گرد سران احزاب سوئدی بود که همگی، بجز یوران پرشون رهبر حزب سوسیال دمکرات و نخست وزیر سوئد، در آن حاضر بودند. رهبران دو حزب سیاسی جدید سوئدی یعنی جنبش زنان (fi) و لیست ژونن (Junista) نیز در این میزگرد شرکت داشتند.

کمیته دفاع از حقوق مدنی مردم در ایران در تمامی روزهای این همایش، هرساله میز کتاب، عکس و سایر فعالیت های اعتراضی دارد که امسال هم با

زندگی و جانیشان از کشورهای مثل ایران فرار می کنند را داد و علت فرار این افراد از ایران را امری سیاسی دانست.

او همینطور خواهان دادن امکانات اجتماعی بیشتر و فوری به اقلیت های جنسی که منتظر یا دارای اجازه اقامت در سوئد هستند شد. وی علت این تقاضا را یک دوره طولانی اذیت و آزار روانی در ایران و کشورهای مشابه دانست که این افراد را نیازمند کمک های بیشتر و فوری برای شروع به زندگی در جامعه تازه، می کند.

مهین علیپور راه حل نهائی برای موفقیت جنبشهایی مثل جنبش دفاع از حقوق اقلیت های جنسی در سوئد و سایر

گفتگوی پروین کابلی با ... از صفحه ۶

پیشنهاد دوستان گرامی گروهی بزرگتر به اسم PGBSO تشکیل گردید و فعالیت های گسترده تری را ارائه نمود و فراگیرتر شد. در پی هماهنگی با برخی فعالان همجنسگرا گروه گسترده تر گردید. با توجه به شرایط محدود داخل کشور و عدم توانایی انجام فعالیت های رسمی سازمانی به اسم سازمان همجنسگرایان ایرانی (PGLO (Persian Gay & Lesbian Organization) در کشور

نروژ ثبت و تقریباً از بهمن ماه 82 فعالیت غیر رسمی آن آغاز گردید. در اول فروردین ماه سال 83 سازمان همجنسگرایان ایرانی به صورت رسمی فعالیت های خود را آغاز نمود. اولین پروژه سازمان، ایجاد کمیسیون حقوق بشر بود. مطالعات حقوقی سازمان و دفاع از حقوق اقلیت های جنسی (LGBT) در ایران وظیفه این کمیسیون است که به عنوان مرکز نظارت حقوقی فعالیت می کند. دومین پروژه، انتشار مطالب همجنس گرایان ایرانی بود. این پروژه دربرگیرنده نشریات، مجلات، بولتن ها و سایر خواندنی ها می باشد. اولین محصول این پروژه نشریه چراغ بود که تا به حال 19 شماره و 8 ویژه نامه از آن منتشر شده است.

پروژه بعدی رادیو همجنس گرایان ایرانی بود که تا به حال 53 برنامه از آن پخش گردیده است. پروین کابلی: شما در اهداف سازمان از مسائل صنفی همجنسگرایان و همینطور آموزش و مسائل حقوقی نام برده اید. آیا فکر می کنید که این اهداف می توانند جوابگوی خواست همجنس گرایان ایرانی باشند، که از جهات مختلف مورد تهدید هستند؟ از یکطرف سنت های عقب مانده فکری و از طرف دیگر تهدید به اعدام و سنگسار. مشخصاً چطور می شود جوابگوی این وضعیت شد؟ مسائل

فرهنگی و یا حقوقی همجنسگرایان ایرانی در خارج از ایران را می شود از طریق سازمان شما و یا سازمانهای مشابه جواب داد. اما در مورد مسائل داخل ایران چه می گوئید؟

شاهرخ رئیس: شاید بتوان اهداف سازمان ما را به دو دسته تقسیم کرد، اهداف بلند مدت و مهمترین اهداف بلند مدت ما شامل بالا بردن فرهنگ عمومی ایرانیان در قبال مسائل اقلیت های جنسی، و نیز ایجاد فضای اتحاد و دوستی در بین خود اقلیت های جنسی می باشد. منظور من از کلمه اقلیت های جنسی، سه گروه همجنس گرایان و دوجنس گرایان و دگرجنس گونگان می باشد. این اهداف بلند مدت هرچند لازم و ضروری هستند اما به هیچ وجه کافی نمی باشند.

همانطور که شما گفتید، در ایران قوانین وحشیانه بسیاری بر ضد اقلیت های جنسی وجود دارد که کار فرهنگی درازمدت، نمی تواند پاسخگوی آنها باشد. سازمان ما به عنوان فعال حقوق همجنس گرایان، چاره ای جز ورود به عرصه فعالیت سیاسی و اجتماعی ندارد. اهداف فوری ما بیشتر در این قسمت می گنجد: تلاش برای لغو کلیه قوانین ضد همجنس گرایان، مبارزه با هر گونه رفتار تبعیض آمیز در قبال اقلیت های جنسی، تلاش برای ایجاد مراکزی برای حمایت و پشتیبانی حقوقی و پزشکی از اقلیت های جنسی، تلاش برای بدست آوردن حق آزادی بیان و داشتن نشریه و اطلاع رسانی. ما معتقدیم که فعالیت های ما، در تمامی عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در تعقیب اهداف درازمدت و فوری، لازم و ضروری می باشد و تا کنون راه کارهایی نیز برای هرکدام پیدا کرده ایم.

ادامه گفتگو را در شماره ۷

جنسی، جسمی و روانشناختی اقلیت های جنسی در جامعه تبصره یک: فعالیت سازمان به صورت غیرحزبی و تشکیلاتی (از نظر سیاسی) می باشد و فارغ از هرگونه جهت گیری قومی و مذهبی است.

تبصره دو: با توجه به شرایط و نیازها، اهداف سازمان قابل تغییر می باشد.

تبصره سه: سازمان می تواند برای دستیابی به اهداف فوق با سایر سازمان ها و گروه ها همکاری نماید.

در سال ۱۳۸۱ گروهی به اسم رنگین کمان برای رسیدگی به مسایل و مشکلات همجنسگرایان و متحد نمودن آنها تشکیل شد. فعالیت های این گروه تنها از طریق ایمیل بود و با توجه به ازدیاد حجم کارها در سال ۱۳۸۲ وب سایت www.persianguy.com

ایجاد شد و شروع به کار کرد. این وب سایت با اهدافی بزرگ در جهت اعتلا بخشیدن به همجنسگرایان و رفع نیازها، آموزش و اطلاع رسانی به آنها ایجاد شد و به مردان همجنس گرا اختصاص داشت. پس از حدود چند ماه و استقبال شدید مراجعه کنندگان و همکاری عزیزان به ادامه در صفحه ۵

گفتگوی پروین کابلی با شاهرخ رئیسی در مورد همجنسگرایان ایرانی سازمانیابی و فعالیتهای آنها (۱)

این گفتگو به دلیل مفصل و طولانی بودن آن در چند شماره متوالی به استحضار خوانندگان عزیز خواهد رسید.

همجنسگرایان در ایران صحبت کردیم. این مراسم بازتاب خوب و چشمگیری در مطبوعات آلمانی و فعالان حقوق بشر در آلمان به همراه داشت.

پروین کابلی: سازمان شما چه اهدافی دارد و چگونه تشکیل شد؟

شاهرخ رئیسی: اهداف سازمان به شرح زیر می باشد:

الف) تلاش در جهت ارتقاء آگاهی اجتماعی و فرهنگی با هدف بهبود شرایط زندگی برای اقلیت های جنسی مقیم ایران و خارج

ب) گردآوری و ارائه تحقیقات و مطالبییرامون موضوعاتی نظیرجنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسی و در کل مسایل مربوط به همجنسگرایان و دیگر اقلیت های جنسی در ایران و در بین ایرانیان مقیم خارج

ج) فعالیت در جهت برابری حقوق و رفع تبعیض از اقلیت های جنسی در ایران
د) فعالیت در جهت گسترش بهداشت

است. آنچه مسلم است در قوانین جزایی ایران با صراحت برای رابطه همجنس گرایانه بین ۲ مرد حکم اعدام و برای دوزن صد ضربه شلاق در نظر گرفته شده است، و اگر زنی برای بار چهارم مرتکب آن عمل شد، حکمش اعدام است.

سازمان همجنسگرایان ایرانی مراسم یادبودی در دانشگاه تورنتو برگزار کرد که بیش از شصت نفر در آن شرکت کردند و سخنرانانی از جامعه ایرانی و دولت کانادا داشتیم. همچنین در روزهای ۲۹ و ۳۰ ژوئیه، تظاهرات و نیز سخنرانی، با همکاری سازمان

همجنس گرایان آلمان، در شهر فرانکفورت برگزار نمودیم و در آن مراسم، قانون مجازات اسلامی برای همجنسگرایان به آلمانی ترجمه و در بین حاضران در جلسه توزیع کردیم و درباره وضعیت و شرایط غیرانسانی

سفارت ایران در سوئد در پاسخ به خبرنگار رادیو پژواک گفت که "آنها مرتکب به قتل کودکی در مشهد شدند و اولیای دم درخواست قصاص کردند و حکم جاری شده است و من متعجب هستم که همجنسگرایان سوئدی برای اعدام دو قاتل اعتراض کردند". به این معنی که پس از گذشت یک سال، قتل هم به جرم های آنها اضافه شده است.

این مورد اعدام یک رخداد تاریخی شد به دو دلیل 1- کودک بودن آنها. ایران یکی از کشورهای است که منشور حقوق کودکان را امضا کرده است 2- رابطه همجنسگرایی آنها.

ما امروز با توجه به این موارد باید به موارد دیگر نیز توجه داشته باشیم. گزارشات بسیاری از شکنجه همجنسگرایان به صورت رسمی و غیررسمی در دست



شاهرخ رئیسی دبیر امور فرهنگی سازمان همجنس گرایان ایرانی، و سردبیر نشریه چراغ (می باشد).

وی ۲۹ سال دارد و مدت ۴,۵ سال است که در کشور آلمان زندگی می کند.

پروین کابلی: این روزها سالگرد اعدام دو نوجوان همجنسگرا در ایران است. سوال من در رابطه با سازمان شماست. اینکه در این مورد چه اقداماتی کردید و چه جوابی گرفتید؟

شاهرخ رئیسی: 19 ژوئیه سالروز اعدام دو نوجوان به جرم رابطه جنسی بین دو مرد بود. در ابتدا همجنسگرایی آنها مطرح شد و پس از آن به سرعت داستان هایی مبنی بر تجاوز به یک پسر 13 ساله منتشر گردید. لواط به عنف که همان تجاوز می باشد نیز در روزنامه ها منتشر شد. در روز 19 ژوئیه محمد علی شریعتی دبیر اول

آدرس پستی

PO Box 42300
London N12
0WY
UK
به ما کمک مالی کنید

Lloyds Bank
Account:
0972959
Sort code: 30-
99-86
369Green Lanes
Palmers Green
London N13
4JH
UK

برنامه تلویزیونی برای آزادی زن

برنامه تلویزیونی برای آزادی زن روزهای سه شنبه ساعت نه و نیم صبح به وقت تهران از کانال یک پخش میشود.

برنامه های برای آزادی زن همچنین در کانال جدید روزهای دوشنبه و جمعه ساعت نه و نیم شب به وقت تهران پخش میگردد.

برای آزادی زن برنامه ای است در نقد زن ستیزی و مرد سالاری و در دفاع از آزادی و برابری زن و مرد. برای آزادی زن سنن، قوانین، نظرات، افکار و بینش مرد سالار را به مصاف می طلبد. برای آزادی زن از رهبران، فعالین و صاحب نظران جنبش آزادی زن برای شرکت در مصاحبه ها و میزگردها دعوت میکند. نظرات، پیشنهادات و سوالات خود را با ما در میان بگذارد.

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سردبیر
نیاز قانلی
اسماعیل اوجی